■روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■مدیرمسؤول: مهدی عرفاتی ■نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین المللی ISO9001:2008

جام جم

■شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamdaily.ir
■پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■امور مشترکین: ۴۴۴۲۲۹۳۰ ■سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

سه‌شنبه ۹ اردیبهشت ۱۳۹۹ | ۴ رمضان ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۶۴۶ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - 2020 April 28

حدیث روز: تحف‌العقول

از امام حسن (ع) سؤال شد: کرم چیست؟ فرمود: بخشش قبل از خواهش و طعام دادن به مردم هنگام قحطی.

پلک احساس: حافظ

هر آن که جانب اهل خدا نگه دارد
خداش در همه حال از بلا نگه دارد

دعای روز چهارم ماه مبارک رمضان

اللهمّ قوّنی فیهِ علی إقامةِ أمرِکَ واذِقنی فیهِ حلاوَةَ ذِکرِکَ وأوزِعنی فیهِ لأداءِ شُکرِکَ بِکَرَمِکَ واحفظنی فیهِ بِحِفظِکَ وسِترِکَ یا أبصَرَ الناظِرین.

خدایا نیرومندم نما در آن روز به پا داشتن دستور فرمانت وبچشان در آن شیرینی یادت را ومهیا کن مرا در آن روز رای انجام سپاسگزاریت به کرم خودت نگهدار مرا در این روز به نگاه داریت وپرده پوشی خودت ای بیناترین بینایان.

اوقات شرعی:
اذان ظهر: ۱۳/۰۲ غروب آفتاب: ۱۹/۵۰
اذان مغرب: ۲۰/۰۹ نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۵
اذان صبح (فردا): ۴/۴۰ طلوع خورشید(فردا): ۶/۱۴

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران	ایلام	بوشهر	رشت	تبریز	خرم‌آباد	سمنان	شیراز
۲۳ / ۱۴	۲۰ / ۹	۳۴ / ۲۴	۱۶ / ۱۲	۱۸ / ۸	۲۲ / ۱۰	۲۴ / ۱۵	۲۴ / ۱۲

امروز در تاریخ:
- روز شوراها
- زاد روز محمد معین، استاد دانشگاه و نویسند فرهنگ معین (۱۲۹۷ ش)

راپورت‌های میرزا ادریس

از ادرار شتر تا تزریق وایتکس

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

ما به خیال خودمان، این خشایار دیلاق گوش به حرف یکی احمق‌تر از خودش داده و در باب فروش ادرار شتر افاضات فرموده بود که دیدیم ای دل غافل خرتر از خر هم وجود دارد. دیروز تورق کاغذ اخبار می‌کردیم گویا مردک زردنبوی پرزیدنت ینگه دنیا نسخه پیچیده که برای بهبود کرونای‌تان وایتکس تزریق کنید تا داخل بدنتان هم ضدعفونی شود. یکی هم نیست یقه‌اش کند و بگوید دبنگ خان، آن احمقی که در ممالک محروسه ما نسخه ادرار شتر پیچید و عالم و آدم به ریشش خندیدند و گفتید بفرما نسخه ایران را برای کرونا ببینید. یک جوانک جلمبر پیزوری بود که چارکلاس سواد هم نداشت و بعد هم امنیه‌چی‌ها گرفتند و چپقش را هم چاق کردند. حالا تویی که خیر سرت رئیس جمهور یک کشور و کلی رجال و نسا عاقل و بالغ به تو رای داده‌اند این چه افاضات مزخرف است که می‌گویی؟! یک بام و دو هوای این جراید

پدرسوخته آن وری هم خوب توی این مدت رو شد که یکی که معلوم نیست کس و کارش و جا و مکانش کجاست تجویز ادرار شتر می‌کند رب و رب ممالک محروسه را به تمسخر می‌گیرند که بفرما این هم کشور است دارند و آن وقت یکی جلوی چشم هزاران دوربین زنده می‌گوید وایتکس تزریق کنید و همه می‌خندند و زیر سبیلی رد می‌کنند. ما خیلی وقت است دیگر از این امورات دنیا چیزی متعجب‌مان نمی‌کند. برویم یک ماچ بکنیم خشایار را و عذرخواهی بنماییم. اخیرا ملتفت شده‌ایم از او خرتر هم وجود دارد.

گفت‌وگو با ناصر هاشمی، در سالروز تولد حمید سمندریان، مدرس و کارگردان تئاتر

او استاد رفاقت بود

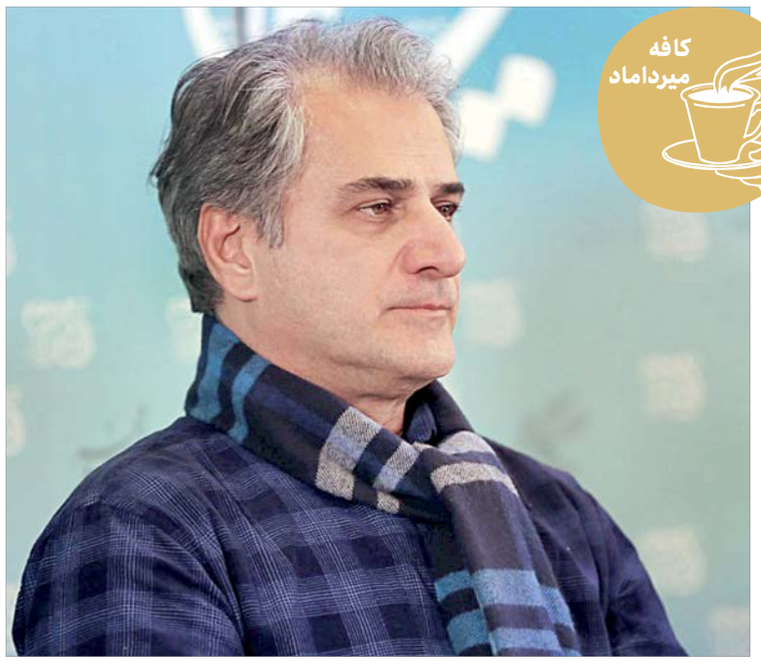

کافه میرداماد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

اگر بود، امروز شمع ۸۹ سالگیش را فوت می‌کرد. اما هشت سال است که فوت کرده با وجو این امروز را نمی‌توان در تقویم نادیده گرفت. روزی که یکی از خوشنام‌ترین آدم‌های فرهنگ و هنر ایران چشم به دنیا باز کرد. آمد تا دنیای تئاتر ایران را تغییر دهد و دانش و علم را در این هنر نهادینه کرده و مسیر حرکت تئاتر سنتی به تئاتر امروزی و مدرن را به سرانجام برساند. حمید سمندریان در آلمان درس هنر و تئاتر خواند و به ایران برگشت و دانشکده تئاتر را راه‌اندازی کرد. برای اعتبار زنده‌یاد سمندریان همین کافی است که استادی مانند مرحوم عزت‌ا... انتظامی، یکی از افتخاراتش این بود که درس بازیگری را نزد استاد سمندریان آموخته بود. فهرست دانشجویان و هنرآموزان زنده یاد سمندریان طولانی است و هرکدام از آنها تعدادی از بهترین نقش‌های تئاتری یا سینمایی و تلویزیونی را به‌نام خود ثبت کرده‌اند. برخی هم کارگردانانی صاحب نام شده‌اند. ناصر هاشمی، یکی از بازیگرانی است که در دانشکده هنرهای زیبا درس خوانده و یکی از اساتیدش آقای سمندریان بوده.

نجیب‌زاده بود

ناصر هاشمی، درباره استاد سمندریان می‌گوید: یکی از با شخصیت‌ترین آدم‌هایی بود که در عمرم دیده‌ام. من از مدرسه که ناظم و مدیر سختگیری داشت و همه چیز را با خط‌کش می‌سنجیدند که ترازش بهم نخورد سال ۵۵ وارد دانشکده هنرهای زیبا شدم و زمانی که آقای سمندریان را دیدم و در کلاس‌های ایشان حضور یافتم، شگفت‌زده شدم. یک انسان با آن سطح از علم و آگاهی و نگاه زیبابین و خلاق، آنقدر فروتن و خوش‌برخورد بود که همه معادلات ذهنی مرا بهم ریخت. بهترین آموزه‌ام از ایشان علاوه بر درس‌هایی که درباره بازیگری از استاد سمندریان آموختم، فن گفت‌وگو و تعامل با دیگران بود. ایشان با آن‌همه سوادی که داشت، حرف دانشجویان را گوش می‌داد، نظرات آنها را می‌شنید، آنهایی را که درست بود قبول می‌کرد و درباره آن‌چه به نظرش قابل قبول نبود، گفت‌وگو می‌کرد. به نظرم ریشه این رفتار و این سبک زندگی به خانواده‌ای که ایشان در آن متولد شده و رشد کرده بود، برمی‌گردد. یک خانواده اصیل، نجیب و با فرهنگ می‌تواند چنین فرزندی تربیت کند. پدر آقای سمندریان هم اهل فرهنگ و هنر بودند و به آقای سمندریان در ایجاد دانشکده تئاتر و کلا تئاتر ایران کمک می‌کردند. خانم هما روستا، همسر آقای سمندریان هم درست شبیه خود ایشان بودند. برای همه ما این دو نفر رفیق‌های خوبی بودند. در کنار آنها خیلی چیزها یاد گرفتیم از مرام و منش انسانی تا درس هنر و تئاتر و بازیگری.

کتاب‌هایش، کلاس درس‌اند

از ناصر هاشمی درباره نحوه تدریس زنده یاد سمندریان می‌پرسم و این که روش او چه تاثیری بر سطح علم و آگاهی دانشجویانش و هنر بازیگری و تئاتر ایران داشت؟

می‌گوید: آقای سمندریان در آلمان درس خوانده بود و با روش‌های نوین آموزش هنر و تئاتر آشنا بود. همان روش را در دانشکده هم اجرا می‌کرد. در واقع دانشجویانش را با تئاتر جهان آشنا می‌کرد و متد درست بازیگری و کارگردانی را به آنها آموزش می‌داد. البته در کنار تدریس، ترجمه نمایش‌های فرانسوی و آلمانی به فارسی هم در رشد تئاتر ایران بی‌تاثیر نبود. به عنوان مثال مقدمه نمایش «ازدواج آقای می‌سی سی پی» یکی از مهم‌ترین درس‌هایی است که در زمینه تئاتر می‌توان، آموخت. کارگردان بی‌نظیری در تئاتر بودند و به نظرم، آقای سمندریان و تاثیری که بر دانش تئاتری ایران داشت را می‌توان در مجموعه کلاس‌های آموزشی، ترجمه‌ها و تالیفات و تئاترهایی که کارگردانی می‌کرد، بررسی کرد. این سه موضوع کامل کننده یکدیگر بودند. پوست اندازی، تئاتر سنتی ایران از زمان آقای نوشین آغاز شده بود و آقای سمندریان ادامه دهنده راهی بود که آقای نوشین آغاز کرده بود. آقای سمندریان تئاتر ایران را مدرن کرد و این تاثیر در تاریخ ایران نوشته شده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا به سادگی از آن عبور کرد.

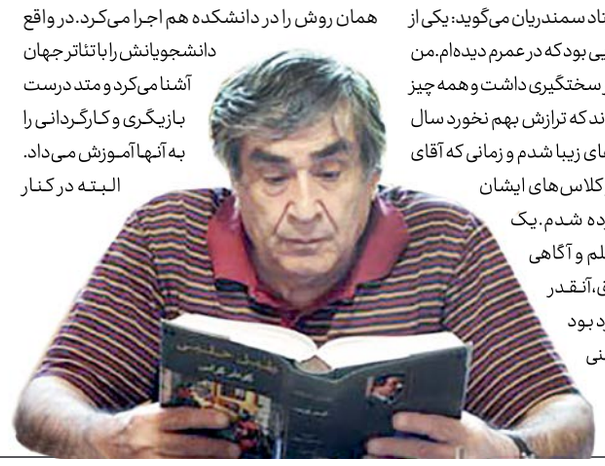

تاثیر ثبات اجتماعی بر فردیت آدم‌ها

از بازیگر، برادرم خسرو می‌پرسم، همه شاگردان آقای سمندریان جزو بازیگران و کارگردانان خوب ایران هستند، افرادی که شخصیت‌های باثباتی دارند و کمتر از آنها حاشیه‌ای دیده‌ایم. بازیگرانی که آک آدم یک بازی می‌کنند و نشان می‌دهند که دانش بازیگری را آموخته‌اند. این را می‌توان تاثیر استاد بر دانشجو و هنرجو دانست؟ چیزی که مدت‌هاست در حوزه بازیگری کم‌رنگ شده؟

می‌گوید: هر دوره‌ای مختصات خود را دارد. به نظرم شرایط محیطی را نمی‌توان بر رفتار و حتی سبک تدریس استاد، نادیده گرفت. دوره‌ای که آقای سمندریان، در دانشگاه و صحنه تئاتر فعالیت داشتند، دوره‌ای بود که فضای اجتماعی باثبات‌تر از امروز بود. همین ثبات بر رفتار همه آدم‌ها و بخصوص هنرمندان تاثیر داشت. منظورم از ثبات این نیست که همه چیز خوب بود و همه اتفاقات سرجای خود قرار داشتند. اما این عصبیتی که چند سالی است بر جامعه حاکم شده، آن زمان وجود نداشت. تنوع دیدگاه و اندیشه بود اما عصبیت و عجله و شتاب نبود. حتی کمبودهایی بود، زمانی که کشور درگیر جنگ بود، اما انگار آدم‌های آن زمان آرام‌تر از امروز بودند. دانشجو طالب آموختن بود و برای استاد، آموزش اولویت بود. الان اساتید کمتر در دسترس‌اند. دانشجو اگر سوال و پرسشی داشته باشد، نمی‌داند استادش را باید چگونه پیدا کند و جواب پرسشش را از او بگیرد. زمانی که من دانشجو بودم، صحبت‌ها از کلاس به تریا و کافه کشیده می‌شد، آنجا اگر تمام نمی‌شد به خانه هم می‌رفتیم و بحث را ادامه می‌دادیم تا به نتیجه برسیم، در بیشتر این دورهمی‌های دوستانه، اساتید هم حضور داشتند. ی آدم هست آقای سمندریان ما را به تئاتر می‌برد یا به پشت صحنه تئاترهایش دعوت می‌کرد و همان جا هم برای ما تبدیل می‌شد به کلاس درس. امروزه هم بازیگران جوان موفق زیادی داریم که تشنه آموختن هستند. بازیگران مودب و فروتنی که کار کردن با آنها را دوست دارم و لذت می‌برم. این نکته را همیشه به خودم یادآوری می‌کنم که آدم‌ها را باید طبق شرایط زمانه سنجید و با آنها کنار آمد.

مقطع حساس کنونی

حکیم و مریدان در کنار رودخانه

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

حکیمی که به‌همراه دو تن از مریدان برای تفریح و تفرج و تأمل در احوالات هستی به دامن طبیعت رفته بودند در هنگام ظهر به کنار رودخانه‌ای رسیدند و تصمیم گرفتند ساعتی آنجا استراحت کنند و لقمه‌هایی را که همسران‌شان برای آنها درست کرده بودند تناول نمایند. هنوز سفره یکبار مصرف را به‌طور کامل پهن نکرده بودند که با شنیدن صدای غرشی از جا پریدند و شیری را مشاهده کردند که کفتاری را دنبال می‌کند. کفتار به لانه‌اش گریخت و شیر بر در لانه وی به نعره زدن و حرکات نمایشی رزمی پرداخت. حکیم و مریدان مشغول تماشای این صحنه بودند که کلاغی که بر شاخه درختی نشسته بود گفت: چی را تماشا می‌کنید؟ حکیم گفت: به حکمت این ماجرا فکر می‌کنم. کلاغ گفت: من بگویم؟ حکیم گفت: بفرما. کلاغ گفت: حکمتش این بود که آنها سرتان را گرم کردند که روباه لقمه‌های‌تان را بخورد. حکیم و مریدان به سفره خود نگاه کردند و دیدند لقمه‌های‌شان در سفره نیست. حکیم گفت: این‌که روباه لقمه‌های ما را بخورد، چه فایده‌ای برای شیر و کفتار دارد؟ کلاغ گفت: روباه گرسنه بود و سیر شد، کفتار رفت تا تجدید قوا کند، شیر نیز دارد خودش را گرم می‌کند تا سه‌نفری به شما حمله کنند. حکیم گفت: وا. آن‌وقت به تو چی می‌رسد؟ کلاغ گفت: اگر به من چیزی می‌رسید که اینها را برای شما تعریف نمی‌کردم. حکیم گفت: حالا چه کنیم؟ کلاغ گفت: در زیر نی‌های کنار رودخانه قایقی مخفی شده است، تا دیر نشده و دریده نشده‌اید فرار کنید. حکیم و مریدان بدون فوت وقت سوار قایق شدند و پارو زدند و وقتی از ساحل فاصله گرفتند شیر و کفتار و روباه را دیدند که در کنار رودخانه ایستاده‌اند و به شکار ازدست‌رفته‌شان نگاه می‌کنند. در این لحظه مریدان از حکیم پرسیدند: ای حکیم، از این ماجرا چه نتیجه‌ای بگیریم؟ حکیم گفت: پارو بزنید که پارو زدن بهتر از نتیجه گرفتن، است. و خاموش شدند و پارو زدند.

ثروت بیل گیتس در خدمت درمان کرونا

بیل گیتس در مصاحبه‌ای اعلام کرده بنیاد «بیل و ملیندا گیتس» تمام توجه و سرمایه خود را صرف مقابله با پاندمیک کووید-۱۹ می‌کند. به گزارش مهر، مؤسس مایکروسافت در مصاحبه‌ای با روزنامه فایننشال تایمز اعلام کرده بنیاد بیل و ملیندا گیتس با سرمایه بیش از ۴۰ میلیارد دلار تمام توجه خود را معطوف پاندمیک کووید-۱۹ کرده است. او در این باره گفت: این بنیاد تاکنون ۲۵۰ میلیون دلار به مقابله با ویروس کرونا کمک کرده است. گیتس در ادامه سخنانش در برابر اتهامات دونالد ترامپ، از سازمان جهانی بهداشت دفاع کرد و گفت: سازمانی که قبلاً روی ریشه‌کن کردن اچ آی وی، مالاریا و فلج اطفال تمرکز کرده بود اکنون تمام توجه خود را معطوف ویروس کرونا کرده است. سازمان جهانی بهداشت اهمیت بسیار زیادی دارد و باید طی دوران پاندمیک کووید-۱۹ از پشتیبانی بیشتری برخوردار شود.

ضدعفونی کردن کارت سوخت

با توجه به این‌که پمپ‌بنزین‌ها یکی از مکان‌های پرخطر برای شیوع ویروس کروناست، لازم است تا ضدعفونی کارت‌های سوخت مورد توجه قرار گیرد. فاطمه کاهی، سخنگوی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی درباره چگونگی ضدعفونی‌کردن کارت‌های سوخت به ایسنا گفت: برای این کار از موادی همچون وایتکس استفاده نکنید. برای ضدعفونی‌کردن کارت‌های سوخت از پنبه آغشته به ماده ضدعفونی‌کننده پایه الکلی که میزان آن ۶۵ تا ۷۰ درصد است، استفاده کرده و از اسکاچ و مایع ظرفشویی هم به هیچ عنوان استفاده نکنید.

روی زیبای طبیعت را ببوس

خبر تکراری است اما از آن خبرهایی است که دوست داری بارها بخوانی و عکس‌هایش را نگاه کنی. اردیبهشت است و باید زمین، بهشت را تجربه کند. عکس‌های رسیدن لک‌لک‌ها به تالاب زریوار را می‌توان تماشا کرد و لذت برد. پرندگانی که آنقدر در کنار مردم این خطه احساس امنیت می‌کنند که هر سال تعدادشان بیشتر می‌شود. مردم مریوان آنقدر با این پرندگان که به زبان کردی به آنها «حاجی له‌ق، له‌ق» می‌گویند، صمیمی شده‌اند که گاهی برایشان شاخه‌های نازک می‌اندازند تا به لک‌لک‌ها در ساخت آشیانه کمک کنند. لک‌لک‌های تالاب زریوار به یکی از جاذبه‌های گردشگری این منطقه تبدیل شده، البته امیدواریم مردم با هجوم به این خطه، اکوسیستم و نظم طبیعی آن را خراب نکنند.

عکس: ایرنا

دانش‌آموزان دامنه سبلان

این روزها بیشتر از هر زمانی بچه‌ها درگیر گوشی‌های هوشمند و اینترنت شده‌اند. حتی دیگر لازم نیست مسافت خانه تا مدرسه را طی کنند (فرقی ندارد با خودرو، سرویس مدرسه یا پیاده) و کلا خانه‌نشین شده‌اند و بیشتر از هر زمان دیگر بی‌تحرک. معلمان هم کارشان از کل کل در کلاس و چشم در چشم بچه‌ها، رسیده به فضای مجازی و الان دیگر مدیریت دانش‌آموزان بازیگوش، شده یکی از معضلات آموزش در دوره کرونا، اما برای دانش‌آموزان و معلمان دشت مغان، کرونا نه آمده و نه‌رفته. انگار این ویروس ویرانگر نتوانسته از مرز زندگی آنها عبور کرده و خرابش کند. عکسی در شبکه‌های اجتماعی دست به دست می‌شود و معلمی را نشان می‌دهد که در دامنه زیبای سبلان به دو دانش آموز عشایرش درس می‌دهد. در این مکان فراتر از کرونا نه اینترنتی است نه گوشی و کامپیوتری. عشق است و دغدغه تعلیم و علاقه به فراگیری دانش.

باغ کرونا

تاریخ‌نگاران حتما از دوره کرونا خواهند نوشت. آیندگان که صفحات کتاب‌های چاپی یا سایت‌های اینترنتی را ورق بزنند به اتفاقاتی خواهند رسید که ویروسی به‌نام کرونا به بشریت تحمیل کرد. آیندگان حتما نام ایران را هم در این مطالعه خواهند دید و اتفاقات بد و خوبی که مردم ایران در این دوره تجربه و نامشان را در فهرست اولین‌های دوره کرونا ثبت کردند. یکی از این اتفاقات زیبا هر چند تلخ در آستانه اشرفیه رخ داده است. بازماندگان کسانی که به دلیل کرونا فوت کرده‌اند به یاد آنها، نهال کاشته و عکس متوفیان را نیز روی نهال‌ها نصب کرده‌اند. چند سال دیگر باغی زیبا به وجود خواهد آمد که شاید نامش باغ کرونا باشد.